

عهد ناصری در گذر تاریخ

با تأملی در زندگانی سیاسی

صدر اعظم‌ها و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی آن دوره

مؤلف

دکتر حمید رضا صفاکیش کاشانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

تهران مرکزی

سرشناسه	صفاکیش کاشانی، حمیدرضا
عنوان و نام پدیدآور	عهد ناصری در گذر تاریخ: با تاملی در صدراعظم‌ها و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دوره/ مولف حمیدرضا صفاکیش کاشانی؛ مقدمه رضا شعبانی. تهران: نشر مهاجر، ۱۳۹۶.
مشخصات نشر	۷۸۰ ص: مصور.
مشخصات ظاهری	۲- ۱۹۰- ۲۲۵- ۹۶۴- ۹۷۸
شابک	۶۰۰۰۰ ریال
قیمت	فیبا
ویرجیت فهرست نویسی	ایران- تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳- ۱۳۴۴ ق.
سود	Iran—History-- Qajars, ۱۷۷۹- ۱۹۲۵
موضوع	ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷- ۱۳۱۳ ق.
سود	ایران- اوضاع اجتماعی، قرن ۱۳ ق.
موضوع	Iran-Social conditions-- ۱۹ th century
موضوع	ایران- زندگی فرهنگی - قرن ۱۳ ق.
موضوع	Iran-Intelktual life-- ۱۹ th century
موضوع	ایران- اوضاع اقتصادی- قرن ۱۳ ق.
موضوع	Iran-Economic conditions-- ۱۹ th century
شناسه افزوده	۱۳۱۷، مقدمه نویسی
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ / ص ۷۰ / DSR ۱۳۷۰
رده بندی دیویی	۵۵ / ۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	۶۹۶۶۷

مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی

مؤلف: دکتر حمیدرضا صفاکیش کاشانی

مقدمه: دکتر رضا شعبانی استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

لیتوگرافی: کارا

چاپ و صحافی: گلبان چاپ

شابک: ۲- ۱۹۰- ۲۲۵- ۹۶۴- ۹۷۸

حق چاپ محفوظ است

نشانی: انقلاب، فخر رازی، بن بست نیک‌پور، پ ۵

تلفن: ۶۶۴۱۰۰۳۶ و ۶۶۹۵۲۲۰۰

فکس: ۶۶۹۵۲۱۹۹



فهرست مطالب

۱	تقریظ
۶	پیشکش
۷	مقدمه
۱۵	نقد و بررسی منابع

فصل اول

۳۲	۱- ساقه ایل قاجار
۳۸	۱-۱- عباس میرزا ولیعهد نواندیش
۴۷	۱-۳- خاندان قائم مقام و نقش آنان در ایام بحرانی
۵۴	۱-۴- مناسبات محمد شاه و حاج میرزا آقاسی
۷۰	۱-۵- جایگاه شاه قاجار
۷۱	شاه در عهد قاجار

فصل دوم

۸۹	۲- ۱ ناصرالدین شاه
۱۰۱	۲- ۲ مروری بر تاریخ اجتماعی دوره ناصری
۱۰۵	اوضاع اقتصادی و تأثیر آن بر شرایط اجتماعی دوره قاجار
۱۱۰	بخش روستایی (طبقه کشاورزان)
۱۱۶	بخش شهری (تجار و بازرگانان)
۱۲۷	ملاحظات بازرگانی
۱۳۰	نقش دلالت در بازار ایران
۱۳۴	نقش پول در اقتصاد
۱۳۸	روحانیون و علمای دینی
۱۵۲	زنان در دوره ناصری
۱۶۵	اقلیت‌های مذهبی
۱۶۹	برده‌داری
۱۷۱	آموزش و پرورش
۱۷۵	علم پزشکی

۱۷۷	 حکمت
۱۷۹	 معتقدات عمومی (عزاداری‌ها)
۱۸۳	 عزاداری در دوره قاجار
۱۸۸	 تعزیه یا نمایش مذهبی
۱۹۳	 اوضاع و احوال هنر در دوره ناصری
۱۹۳	 شعر و ادبیات
۱۹۶	 شاعران مشهور
۲۰۱	 روستا
۲۰۷	 موسیقی در عهد ناصری
۲۱۹	 تأثیر موسیقی غربی در موسیقی ایران
۲۲۰	 معماری
۲۲۱	 معماری دوره قاجار ریزگ
۲۲۳	 ویژگیهای بارز معماری قاجار
۲۲۸	 تغییرات معماری تهران با ورود مدرنیسم
۲۳۶	 اماکن و بناهای مذهبی عهد ناصری
۲۳۶	 بنای مسجد
۲۳۷	 مسجد سپهسالار (مدرسه عالی مطهری)
۲۴۸	 مسجد میرزا یونس خان (شیخ فضل الله نوری)
۲۵۰	 مسجد حاج ابو الفتح و حوزه علمیه فتحیه
۲۵۴	 مسجد شیخ عبد الحسین
۲۵۷	 مسجد فیلسوف الدوله
۲۶۰	 مسجد حاج رجبعلی
۲۶۱	 مسجد میرزا موسی
۲۶۳	 بقعه سرفیر آقا
۲۶۷	 نقاشی
۲۶۹	 نقاشی عهد ناصری
۲۸۴	 عکاسی
۲۸۴	 مفهوم هنر عکاسی
۲۸۵	 عکاسی در عهد ناصری

۲۸۹.....	ناصرالدین شاه عکاس
۲۹۱.....	عکاسان خارجی در دربار ناصرالدین شاه
۲۹۵.....	روزنامه در عهد ناصری
۳۰۳.....	روزنامه نگاری در دوره ناصری
۳۰۶.....	تاریخ مطابع در ایران
۳۰۷.....	امیرکبیر بانی روزنامه به سبک کنونی
۳۰۷.....	بنای دارالفنون مقارن پیدایش نخستین روزنامه فارسی
۳۰۷.....	شهر آیی که نخستین بار در آنها روزنامه انتشار یافت
۳۰۸.....	ارصانی از چند روزنامه عهد ناصری
۳۰۸.....	وقایع اتفاقیه
۳۰۹.....	روزنامه ولت علیه ایران
۳۱۱.....	روزنامه ملتی در اصل و زمانه دولتی
۳۱۲.....	آزد-آرار (A'D-ARAR)
۳۱۳.....	شبنامه نویسی
۳۱۴.....	تاریخچه شبنامه نویسی
۳۱۴.....	انواع شبنامه ها
۳۱۶.....	شکل ظاهری، روشهای تکثیر و نحوه توزیع آنها
۳۱۸.....	نقش استبداد و سانسور در ایجاد جریان شبنامه نویسی
۳۲۰.....	جریان شبنامه نویسی در دوره ناصرالدین شاه
۳۲۱.....	نقش شبنامه ها در جنبش تنباکو

فصل سوم

۱-۳ نگاهی اجمالی بر تاریخ حیات وزراء و جایگاه نهاد وزارت در تاریخ

۳۲۷.....	ایران جدید
----------	------------

فصل چهارم

۳۶۲.....	۱-۴ عصر ناصری و آغاز به کار میرزا محمد تقی خان فراهانی (امیرکبیر)
۳۶۷.....	۲-۴ سفرهای سیاسی میرزاتقی خان
۳۷۵.....	۳-۴ صدارت امیرکبیر و پایان آشوبهای داخلی (۱۲۶۴-۱۲۶۸هـ)
۳۸۶.....	۴-۴ اصلاحات مالی و نظامی صدراعظم
۳۹۷.....	۵-۴ سیاست مذهبی و دیگر خدمات امیرکبیر

- ۴-۶ سیاست خارجی ایران در زمان امیرکبیر..... ۴۰۷
- توطئه قتل امیرکبیر..... ۴۱۲

فصل پنجم

- ۵-۱ نگاهی بر عملکرد میرزا آقاخان نوری از ابتدا تا سال ۱۲۶۷ هجری..... ۴۳۰
- ۵-۲ کارنامه ی سیاه میرزا آقاخان نوری در زمان صدارت (۱۲۶۸-۱۲۷۵هـ)..... ۴۳۷
- ۵-۳ امان قدرت نمایی میرزا آقاخان نوری..... ۴۴۴

فصل ششم

- ۶-۱ نسب و حسب میرزا حسین خان سپهسالار..... ۴۵۸
- ۶-۲ آشنایی میرزا حسین خان با میرزا فتحعلی آخوندزاده..... ۴۶۵
- ۶-۳ سفارت میرزا حسین خان در عثمانی..... ۴۶۹
- ۶-۴ انتصاب میرزا حسین خان به وزارت عدلیه و جنگ..... ۴۷۹
- ۶-۵ حضور میرزا حسین خان در تمام صدارت عظمی (۱۲۸۸-۱۲۹۰هـ)..... ۴۹۰
- ۶-۶ قرار داد جنگجالی رویترو نقش میرزا حسین خان سپهسالار..... ۴۹۹
- ۶-۷ سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا - کنفرانس میرزا حسین خان از صدارت..... ۵۰۵
- ۶-۸ دوره دوم حیات سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار..... ۵۲۳
- ۶-۹ تغییر مسلک میرزا حسین خان سپهسالار..... ۵۳۴
- ۶-۱۰ قیام شیخ عبیدالله کرد..... ۵۴۲
- ۶-۱۱ پایان کار میرزا حسین خان سپهسالار..... ۵۵۰

فصل هفتم

- ۷-۱۱ ایران در واپسین سالهای عصر ناصری..... ۵۶۰
- اتابک اعظم (روی کار آمدن میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم)..... ۵۶۵

فصل هشتم

- ۸-۱ نگاهی اجمالی به عوامل عقب ماندگی در ایران..... ۶۰۶
- ۸-۲ مبانی فکری صدر اعظم های دوره قاجار..... ۶۱۰
- ۸-۳ نقد و مقایسه عملکرد سه صدر اعظم عهد ناصری..... ۶۱۸
- ۸-۴ سیاست خارجی امیرکبیر، اعتمادالدوله و میرزا حسین خان سپهسالار..... ۶۲۹
- ۸-۵ نحوه تعامل صدر اعظم ها با شاه قاجار..... ۶۳۸
- ۸-۶ عوامل سقوط صدر اعظم ها..... ۶۴۹

فهرست منابع و مآخذ

کتابها: ۶۶۱

مقالات: ۶۷۸

نشریات: ۶۸۰

فهرست ملحقات

تصاویر اسناد الحاقی: ۶۸۱

شرح از منابع خارجی استفاده شده: ۷۱۰

فهرست تصاویر ۷۴۲

فهرست پلام ۷۴۷

مقدمه

عهد ناصری از ۱۴ شوال ۱۲۶۴ تا ۱۷ ذی القعدة ۱۳۱۳ هجری قمری به طول انجامیده و به قاعده نیم قرن یعنی چهل و نه سال و یک ماه و سه روز ادامه پیدا کرده است. هنگام فوت^۱ محمد شاه و یعهد و جانشین او ناصرالدین میرزا زیر چتر حمایت و تربیت میرزاتقی خان وزیر نظام در تبریز بسر می برد. چون خبر فوت شاه به تبریز رسید درحالی که خراسان به علت قیام ساکنان دچار هرج و مرج و آشفتگی بود میرزاتقی خان سپاه آذربایجان را گرد آورد و وسایل بدن ناصرالدین میرزا را بر تخت سلطنت در آذربایجان فراهم ساخت. سپس به همراهی سفرای روس و انگلیس به تبریز رفت و با شاه جوان عازم تهران شد و برای آنکه در غیاب او دریا جان دچار اغتشاش و ناامنی نگردد، حکامی را که به وفاداری آنان اطمینان نداشت از کار برکنار کرد و حکام مورد اعتماد بر بلاد آذربایجان گماشت.

شاه به سبب حسن کفایت و لیاقتی که از میرزاتقی خان وزیر نظام در تبریز بود او را با لقب اتابک اعظم به صدارت برگزید و میرزاتقی خان اندکی بعد به لقب امیرکبیر ملقب گردید.

^۱ - محمد شاه شب سه شنبه ششم شوال سال ۱۳۶۳ هجری قمری وفات یافت.

در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه به علت رقابت‌های شدید کشورهای خارجی به ویژه دولت‌های روس و انگلیس و همچنین بر اثر جهالت و بی اطلاعی برخی مردم و رشوه‌خواری و فساد اخلاقی درباریان، عناصر حکومت بارها کشور را به ورطه سقوط و از هم پاشیدن رساندند ولی با از خودگذشتگی بعضی از علما، رجال و دلسوزان و وطن پرستان انگشت شمار کشور از نابودی نجات یافت.

از مشکلات عمده سلطنت ناصرالدین شاه نفوذ و دخالت بیش از حد مادرش مهد علیا بود که پس از فوت محمد شاه و تا زمانی که ناصرالدین شاه خود را به تهران برساند یعنی نزدیک چهل روز در رأس گروهی از رجال و درباریان تحت نفوذ خود بر امور مملکت نظارت کرد. خود را وکیل علیه و نائب السلطنه نامید و در این مدت آسیب‌های فراوانی به مملکت وارد کرد.

با برگزیدن امیرکبیر توسط شاه تمام برنامه‌هایی که مهد علیا درصدد انجام آنها بود به وسیله امیرکبیر لغو شد و همین امریکه امیر را ر دل او نهاد. پس از امیر با نفوذ مهد علیا صدارت عظمی به میرزا آقاخان نوری که با مهد علیا سر و سری داشت و یکپارچه سرسپرده و تبعه انگلیس بود واگذار گردید. نتیجه هفت سال صدارت این فرد خائن وطن‌فروش چیزی جز توسعه نفوذ کشورهای روس و انگلیس در ایران و رواج فساد و تباهی و توقف اصلاحات امیرکبیر نبود.

ناصرالدین شاه پس از چندی که کشور بدون صدراعظم بود میرزا حسین خان سپهسالار را به صدارت برگزید که او هم سعی داشت به ظاهر اصلاحات امیرکبیر را پی‌گیری نماید ولی با مخالفان زیادی روبرو شد و سعی کرد به منظور آشنایی ناصرالدین شاه با پیشرفت‌های اروپا شاه را به فرنگ برده و تغییراتی در فکر او بوجود آورد. در سفر به کشورهای اروپایی که هرکدام قریب به پنج یا شش ماه به طول انجامید، هرچند حاصل

آن‌ها جز خرج و قرض چیز دیگری نبود ولی تا اندازه‌ای موجب آشنایی شاه و درباریان او با جامعه آن روز اروپا گردید.^۱

ناظم الاسلام کرمانی می‌نویسد: مسافرت‌های اروپا به اندازه‌ای این پادشاه را مرعوب ساخت که هر خواهش نامشروعی را که از ناحیه دول اروپایی بعمل می‌آمد به اسم صلح پسندی تسلیم می‌گردید. این سفرها اضافه برآنکه یکصد کرور خزانه ایران را صرف خود می‌کرد هیچ چیز دیگری در بر نداشت. عمده هدف شاه از این سفرها فقط تفریح و عیاشی به

یکی دیگر از مشکلاتی که برای حکومت ناصرالدین شاه بوجود آمد شورش بابیان در سراسر کشور بود. که این موضوع با درایت و برنامه‌ریزی امیرکبیر خاتمه یافت ولی توطئه آن‌ها همچنان تا آخر عمر شاه گریبانگیرش بود.

یکی دیگر از مسائل مهم فرمان صدارت میرزااحسین خان سپهسالار ملقب به مشیرالدوله است که مورخان در مورد شخصیت و منش و رفتار او اظهار نظرهای ضد و نقیضی کرده‌اند از جمله فریدون آدمیت که بی‌تحت عنوان «اندیشه ترقی و حکومت قانونی عهد سپهسالار» می‌نویسد:

دوران ده ساله وزارت و صدارت سپهسالار عصری با خصوصیات متمایز نسبت به دوره قبل و بعد از آن است. او یک سلسله اصلاحات اجتماعی و سیاسی همراه با تأسیسات مدنی جدید بنیان گذارده که همگی ریشه غربی داشتند. عقل اجتماعی جهش بلند یافت بدین معنی که از حد طبقه نخبه اجتماعی گذشت و به سطح جامعه و حتی پائین‌تر از آن کمی راه پیدا کرد. مجموع آن تغییر و تحول عصر سپهسالار را می‌سازد.^۲

^۱ - گل محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۲ و ۳۳

^۲ - ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۳۲، ص ۶۹

^۳ - آدمیت، ۱۳۵۶، ۱۲۹

دکتر جواد شیخ‌الاسلامی مورخی دیگر، سپهسالار را مردی حریص و پول دوست معرفی می‌کند و او را عامل برقراری امتیاز استعماری رویتر می‌انگارد.^۱

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۸ سپهسالار را از کار برکنار ساخت و صدارت را به میرزا یوسف آشتیانی (مستوفی الممالک) سپرد و او نیز پس از دو سال فوت کرد و میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان قدرت را در دست گرفت که او را مورخین فردی خودخواه و نفع پرست معرفی کرده‌اند که فقط به فکر منافع خودش بوده است. امین‌السلطان پس از قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۴ هجری قمری و آغاز سلطنت مظفرالدین شاه همچنان در پست خود اقامت می‌نمود.

در عهد ناصری ایران در انحصار کشورهای خارجی به ویژه روسیه و انگلستان بود. این دو کشور استعمارگر برای آن آماده هرچه بیشتر از امکانات و منابع سرشار میهن ما به رقابت پرداخته بودند. آن‌ها در گرفتن امتیاز و دادن وام به دربار و رشوه به سیاست‌مداران از جمله به خود شخص شاه در سفری که ناصرالدین شاه به اروپا کرد امتیازات زیادی اخذ کردند که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

امتیاز رویتر؛ این امتیاز از ننگین‌ترین امتیازات بود که یک کشور به کشور دیگر می‌دهد و توافقی بود بین ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار با یک فرد یهودی انگلیسی به نام «بارون جولپوس دو رویتر» که به آن پرداخته می‌شد.

امتیاز کشتیرانی در کارون؛ این امتیاز در سال ۱۳۰۶ هجری قمری توسط ناصرالدین شاه به شرکت انگلیسی در منطقه جنوب داده می‌شود.

لاتاری، امتیاز تالبوت (انحصار توتون، تنباکو، رژی) که با مخالفت مردم روبرو شد.
امتیاز واگذاری مشروبات الکلی به فیلیپ‌یار فرانسوی که با مخالفت شدید مردم روبرو شد.

امتیاز ایجاد قزاقخانه، شیلات دریای مازندران، بانک رهنی و راه شوسه از عشق آباد به مشهد نیز به روس‌ها واگذار شد.^۱

و این زمامدار بی‌لیاقت فقط به این امتیازات بسنده نکرد. قسمت‌هایی از خاک کشور را نیز از دست داد. مثل تمام افغانستان، نصف خاک خراسان، بخش عمده سیستان و بلوچستان و قانات، سرو، سرخس، مسقط، عمان، تمام ترکمنستان، صد و هفتاد و سه نقطه از جزایر و سواحل خلیج فارس، بخشی از سرحدات آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و کردستان به طرری که مخبرالسلطنه می‌گوید:

روز به روز قطعاتی از ایران جدا می‌شد. قسمت قفقاز به جنگ، قسمت‌های دیگر به سیاست. ترکمان را نتوانستیم اداره کنیم، روس برد که من اداره می‌کنم. افغانستان را انگشت انگلیس از ایران جدا کرد. بلوچستان اصلاً در ترازوی سیاست ایران وزن نداشت و مخلص در ایران سیاست ترویجی و هوس اشخاص بود و بعضی‌ها همه با شاه بود و هیچ کس هم به فکر آگاه کردن شاه را اطافیان‌ش نبود.

واقعاً چه عواملی دست در دست هم داده بودند که این همه فترت و کوتاهی بوجود آید و باعث حسرت و افسوس امروز ما شود. این‌ها مطلبی است که باید در این نوشته و در حد امکان در کنار دیگر مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به آن پرداخته شود.^۲

به قول تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه که در کتاب خاطرات خود می‌گوید:

این سلطان مقتدری که ما او را خوشبخت‌ترین مردمان عهد عیش می‌دانیم اگر به انصاف نگاه کنیم فوق العاده بدبخت بوده است زیرا که این سلطان خرد را مقید به دوست داشتن زن‌ها نموده و از این جنس متعدد در حرمسرای خود جمع نموده بود و به واسطه رشک و حسدی که در خلقت زن‌ها ودیعه آسمانی است این سلطان به این مقتدری نمی‌توانسته است عشق و میل خود را به زن یا اولاد خود در موقع بروز و ظهور بیاورد و به

^۱ - مخبرالسلطنه، ۱۳۶۳، ص ۴۱

^۲ - گل محمدی، ۱۳۹۰، ص ۵۴

قدری خود را مغلوب نفس و هوی و هوس ساخته و به قدری غرق در تنعمات دنیوی بوده است که اقتدارات سلطنتی را هم فراموش نموده. اگر این پدر تاجدار من خود را وقف عالم انسانیت و ترقی ملت خود و مصارف صنایع می نمود چقدر بهتر بود و اگر آنقدر زن‌ها را دوست نمی داشت و آلوده به لذائذ دنیوی نشده، تمام عمر مشغول سیاست مملکت و ترویج زراعت و فلاحیت می شد چقدر امروز به حال ما مفید بود و در عوض اینکه من در این تاریخ از گریه او مجبور شده صحبت می نمایم از رعیت پروری، معارف پروری، کارهای عمده سلطنتی می نوشتم چقدر با افتخار بود؟ و اگر می توانستم او را در عوض بدبختی، خشونت بنگارم چه میزان قلبم مسرور بود.^۱

افسوس که در آن عصر و زمان، تمام غرق غفلت بوده و بویی از انسانیت به مشامشان نرسیده و به قدری آلوده به لذائذ دنیوی بودند که قرن‌ها خرابی به یادگار گذاشته‌اند که اصلاح پذیر نیست.

علی ای حال هدف تعیین شده را نوشت. حاکم علاوه بر بررسی و نقد عملکرد شاه و سه صدراعظم مهم عصر ناصری یعنی میرزاتقی خان امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری و میرزا حسین خان سپهسالار، واکاوی شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عهد ناصری نیز می‌باشد. تاکنون در خصوص کارنامه سیاسی امیرکبیر و آقاخان نوری تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما در مورد شخصیت و عملکرد میرزا حسین خان سپهسالار با وجود برخی همسانی‌ها میان برنام‌های تجدیدطلبانه شخص او و میرزاتقی خان امیرکبیر، از شرح خدمات و بعضی از برنامه‌های به انجام رسیده وی در تألیفات پژوهشگران معاصر کم‌تر یاد شده است. در حالی که شاید سزاوار است نام میرزا حسین خان سپهسالار نیز در میان پیشوایان عصر ترقی تاریخ معاصر در خاطره‌ی مردم این مرز و بوم تا حدودی ثبت گردد و تنها بواسطه‌ی برخی

^۱ - تاج السلطنه، ۱۳۷۱، ص ۵۴

سیاست‌های نابه‌جای وی نقش موثرش در بهبود روزهای بحرانی عصر ناصری نادیده گرفته نشود. چراکه در این صورت به خوانندگان تاریخ این مرز و بوم - برخلاف واقع - این گونه القا خواهد شد که تنها دولتمرد خیرخواه و نوگرای دوره قاجار شخص امیرکبیر بوده است و سایر نخبگان سیاسی در برون‌رفت کشور از عقب‌ماندگی نقشی نداشته‌اند. حال اگرچه سهم امیرکبیر در توسعه ایران عصر ناصری بسیار حیاتی، قابل توجه و بی‌بدیل است ولی می‌توان وی را الگویی برای رجال بزرگ این مرز و بوم و برای مسئولین بعد از خود از جمله تا حدی میرزا حسین خان سپهسالار دانست. تلاش ما در این نوشتار بر این است که تا ضمن بررسی شرایط آن دوره و تأیید تمامی خدمات پسندیده‌ی امیرکبیر، و بیان رفتارهای نادرست سیاسی میرزاآقاخان نوری، نگاهی واقع‌بینانه به عملکرد و برنامه‌های تجددخواهانه و یا غیرتجددخواهانه‌ی میرزا حسین خان سپهسالار نیز داشته باشیم و از اقدامات خوب یا بدی که در نتیجه‌ی تصمیمات او عاید ایران شده هم سخن به میان آوریم. سزاوار است که قبل از پرداختن به زندگی سیاسی صدراعظم، نقاط قوت و ضعف آن‌ها نگاهی داشته باشیم بر سابقه ایل قاجار، عملکرد ناصرالدین شاه، تاریخ اجتماعی عصر ناصری، نگاهی اجمالی بر تاریخ وزراء و جایگاه نهاد وزارت و تاریخ وزراء ایران از گذشته تا عصر قاجاریه، که بدیهی است به سبب محدودیت حجم پژوهش تنها به ذکر نام ایشان و بیان مختصری از فعالیت‌هایشان بسنده نمودیم و از بررسی جزئیات زندگی سیاسی ایشان خودداری کردیم، چراکه طبیعتاً شرح خدمات یک‌یک ایشان از حوصله تألیف حاضر خارج است و هریک به طور مجزا پژوهش و بررسی خاص خود را طلب می‌کند. پیش‌تر نیز با بیان چگونگی تشکیل حکومت قاجار یاد می‌کنیم از اولین پیشوای اصلاحات تاریخ معاصر ایران یعنی عباس میرزای ولیعهد که به واسطه‌ی تدبیر و دستیاری خاندان قائم مقام نیاز کشور به تغییر و تحول را درک نمود و با یاری و همراهی خاندان مشارالیه اولین قدم‌های نوسازی و تجدد را در جامعه‌ی عقب‌مانده ایران برداشت. در آخرین مبحث نیز از شباهت‌ها و تفاوت‌های برنامه‌های

داخلی و خارجی دوره ناصری سخن به میان می‌آوریم. حال اگرچه این وجیزه ناقابل خالی از ایراد نیست امید می‌رود که به مدد مطالب گران‌بهایی که با فراز و نشیب و شیرینی و تلخی آن ارایه می‌شود بتواند دست مایه محققین، پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ معاصر کشورمان قرار بگیرد. بدیهی است که پیشنهادها و انتقادهای وارد شده بر این تألیف بر ارزش و غنای آن می‌افزاید و مولف با پوزش از اشتباهات محتمل امیدوار است تا راه را برای پژوهش‌های کامل‌تر باز کرده باشد.

یار دیده بسیار ایران ما نگهداردش فریزدان ما
بر این شمع بر سر صرصر گذشت چراغ خدا بود که خامش نگشت

«ما اکثر العبر و اسر الا اعتبار»

چه بسیار است عبرت‌ها و چه کم است پند گرفتن

۲۴ شهریور ۱۳۹۶ خورشیدی برابر با ۲۴ ذی الحجه ۱۴۳۸ هجری قمری

مصطفی با روز مباحله

حمید رضا صفاکیش